

يك نامه كم نظير و جامع

اهمیت این نامه هنگامی روشنتر
میشود که توجه داشته باشید که در ۹۰
سال قبل نوشته شده است .

قسمتهائی از این نامه تاریخی را در شماره
قبل مطالعه فرمودید اکنون به بقیه نامه توجه کنید :

جميع خاك فرانسه بقدر يك سوم ايران نيست ، علت اينكه قريب چهل ميليون نفوس
در خاك مزبور بوده و پانصد كرور تومان از آن قطعه كوچك بجمهوريت عايد ميشود و ايران با
همه وسعت خاك صاحب هشت ميليون نفوس (بقول فرنگيهها) و داراي هفت كرور تومان درآمد
هم نيست ، چه چيز است ؟ . غير از آنكه در فرانسه (نسباً) عدل و مساوات و اخوت و آزادی
و قانون هست و در ايران نيست ، جهتي دارد ؟ - و بايد فهميد جميع اين ترقياتى كه در اروپا
به ظهور رسیده ، همه نتيجه علم است و اطلاع ؛ كه ملل اروپا به حسن مواظبت خودشان ،
آنها بدست آورده و بدناواسطه برشان دولت و شكوه ملت و آبادى و ثروت مملكت افزوده ،
حرفه و صنايع را نيز در سايه همان امر ، بنوعى پيش برده اند كه جميع ملل مشرق زمين را
در كافه اسباب زندگاني محتاج بخود کرده اند . بعهد ملت است كه احتياجات خود را
پيش چشم خود آورده بطور جدى به تهيه اسباب راحت و ثروت و سعادت خود بپردازد و آن
هم امكان ندارد مگر بگشودن مدارس و مكاتب و تربيت و تعليم جوانان ...

در هيچ يك از اموريكه به يداقتندارو كفايت حضرات و كلاي فخراميراني سپرده ميشود ،
هيچگونه آثار ترقي و انتظام مشاهده نميگردد و بلكه بدتر ميشود و بعد از آن با كمال تأسف
مىگويند آزادی و اختيار نداريم .

دروقت سخنراني حضرات رجال دولت درباره امور پوليٲيكي ، و وسايل انتظام ، چنان
نطق ميكنند كه عقل از كفايت آنها حيرت ميكند ، ولى در مقام عمل هيچ يك از آن حرفها
در خاطرشان نميمانند ! . هر گاه صد يك نيروئى را كه وكلا در اقوال دارند ، در اعمال نيز
ميداشتنند ، هر آينه ايران يكي از دول معظمه متمدنه محسوب ميشد .

حيث نيست آدمى با آن هوش و ذكاوت و فطانت همه را در پى كسب نام و شهرت بيمعنى

خود بوده حقیقتاً کاری نکنند که باعث نفع و صلاح دولت و مایه خیر و فلاح آخرت خود باشد ؟ . ما همه تصدیق می کنیم که شما در عقل و تدبیر تالی « بیسمارک » و در فنون لشکر کشی استاد « مارشال مولتیک » هستید ؛ ولی قدری هم باید با صداقت بوطن خدمت کرد. اشتها رو افتخار را مانند « کونت کاور » ایتالیا « تیر » فرانسه « نسلرود » روس « پالسمرستون » انگلیس باید تحصیل کرد که هر کدام ، بر حسب موقع دولت خود و اقتضای وقت بجهت تدبیر تشبث کرده و دولت و ملت خود را بجهت ترقیات رسانیده اند و مع ذلک پس از مرگ دارائی آنها بصورت یکی از افراد عادی بود .

* * *

بمید نیست همین ذات اگر از این قعره استحضار بهم رساند در پیش خود گوید که نویسنده این مطلب عجب جاهل و بی اطلاع از وضع ایران است که دولت ایران را هم مانند دول معظمه متمدنه قیاس میکند و همچو گمان میبرد آن تدابیری که وزرای مستقل فرنگستان تا حال بکار برده و میبرند ، در ایران هم باحالت کنونی ممکن است اجرا کرد ؟ . . . من در جواب خواهم گفت : در زمان صدارت مرحوم **میرزا تقی خان اتابک اعظم** همین ایران بود و همین سلطان و بقول شما همین موانع ، چرا در زمان صدارت او که دو سال بیش طول نکشید ، آنهمه ترقیات از قبیل قراولخانه ، انشاء مدرسه در طهران ، وضع سفراء در خارجه پاره صنایع و بدایع ، بخصوص رواج کالای خود مملکت و رونق تجارت ظهور کرد ؛ در زمان صدارت و اقتدار چندین ساله شما که اختیار کامل در کلیه امور داشتید ، هیچگونه آثار خیر و علامت ترقی از شماها بروز نکرد سهلست لا اقل بکارهای جدید نتوانستید انتظامی داده و آنها را بدرجه مطلوبه برسانید . ادارات دولتی همه حکم عطالت بهم رسانیده و نتیجه ای که از وجود آنها منظور است برای دولت حاصل نمی شود . اگر بفرمائید آن تشبثات و اقدامات فوق العاده بود که بالاخره سبب قتل او گردید ؛ در جواب میگویم که آن نیز از نتایج اعمال و اغراض شخصی شماها بود که دو روزی نتوانستید ایران را بطوریکه مطلوب خیر خواهانه وطن است ؛ ببینید و هزار اسباب فراهم آوردید تا بمقصود خود رسیدید و آنکه یکی روز زندگانی بشرف و غیرت برای مردمان با حمیت ، مرجع بصد سال عمر با مذلت و خاکسری است : **(یک مرده بنام به که صد زنده به ننگ)** .

* * *

یکی از اسباب ترقی ملل اروپا **آزادی مطبوعات** است که بدان وسایط ، نشر محاسن و معایب مردم بلا استثنا مجاز است تا کسانیکه صاحب صفات حمیده و خصایل جمیله هستند

بحسن اخلاق خود افزوده و آنهائیکه آلوده بمرض نفس و نفسانیت و افعال مذمومه میباشند؛ ترك آنها را نمایند و احدی قدرت تعرض به نویسنده یا مدیر روزنامه ندارد، مگر اینکه اسم کسی با بی احترامی در آنجا برده و یا عیبی بر او اسناد شده باشد؛ آنوقت شخص متهم حق محاکمه با مدیر روزنامه داشته و او را رسماً دعوت به محکمه مینماید، هر گاه مدعی علیه خود را محکوم کرد؛ بموجب قانون مجازاتی که در آن باب معین است، در حق مفتری از جانب حکومت بعمل می آید و گرنه برداستگوهیچگونه مجازاتی قانوناً روانیست.

معنی روزنامه این است که حقیقت را باید بنویسد و فصلهائی که نافع بحال ملت است باز کند، عیب را بگوید و علاج معایب را بنویسد نه آنکه روزنامه را بر اغراقات و مملو از مبالغات کراحت انگیز کند. بهتر این است که این جور روزنامه را هیچکس طبع و نشر نکند و خود را ذلیل و رسوای خاص و عام نسازد.

جرائد ما در ایران بر ضد این مطلبند؛ چه از کار خوب تعریف میکنند و کار زشت را هم خوب جلوه میدهند. این دو در نزد آنها تفاوت ندارد و میان خوب و بد تمیزی نیست و سراسر آنها اغراق است. و علت این کار: مایل نبودن حکام و امراء به اصلاح جراید است. در زمان فتنه آذربایجان، قحطی در مملکت منتشر و ظلم و ستم حکمفرما بود، بهمین جهت اگر آن طغیان کردند و اضطراب عمومی ظاهر شد. مردم متوحش و متحیر بودند و عاقبت کار را نمیدانستند، با وجود این اوضاع و مصائب، جرائد تهران در ستونهای خود مینوشتند که شهر تبریز و نواحی آن در بهترین حال! و در پرتو مساعی خدمتگزاران حضرت اقدس عالی برقرار و اهالی بدعاء ذات صاحب البرکات... ارواحنا فداء! مشغول میباشند!!

همچنین است وضع و حالت خارجه ایران که سالها پانه دولت مبالغ گزاف بر سفارتخانههای خود خرج میکند و نمیخواهد نتیجه نیک بردارد، گویا مقصود از داشتن سفارتخانهها اینست است که بگویند: «شاه بوداغون باغیده وار» (۱) هر گاه کسی در ایران پیرسد که وجود سفیر در در خارجه برای چه چیز است؟ شاید چند نفری پیدا شوند که بگویند: بلی سفیر چشم گوش دولت است که باید آنچه ببیند و بشنود و بفهمد، از روی صدق و راستی به دولت خود، گزارش نماید، ولی کو آن دولتی که وظائف مزبور را از سفیر خود بخواهد و راپورتهای او را بنظر دقت مطالعه نموده بمیزان عقل بسنجد و اجرا بکند و آنچه را که باید انجام دهد؟ سوای چند نفر مامور بزرگ موظفی که دولت ایران از قبیل «آژان دیپلماتیک» و «ژنرال گونسل» و «گونسل» در ممالک خارجه دارد قریب پانصد نفر نیز هر طبقه گونسل و ویس گونسل در نطقه اط

(۱) : ضرب المثل ترکی است.

مهمه ویا جاهائی که ابدا لازم نیست وجود دارد معهذا ازهیچ کدام اینها را پورتی به سفارت ویا بوزارت خارجه خود نمی‌رسد وکسی هم متوقع این خدمات از آنها نمیشود، زیرا که مقصود از مأموریت اینها که نه مواجب دارند و نه معاش، تحصیل امنیت تبعه وکسب اطلاع از وضع وحالات آنجاها نیست اغلب مأمورین که ذکر شد، جهال و اشرارند، تصور نمائید این- قبیل اشخاص که حقوق خود را نمیدانند و مأموریتشان ظاهراً حفظ حقوق دولت است، چه منفعتی بحال دولت ویا تبعه‌ای که مقیم آن ولایت است عاید تواند شد ؟

بیچاره تبعه که از ظلم و تعدی حکومت ایران فرار کرده و آمده در مملکت خارجه می‌خواهد به فراغت و آسودگی مشغول کسب و داد ستد خود باشد ؛ در آنجا هم دچار اینگونه مأمورین ایرانی گردیده آنچه دارد و ندارد باید فروخته صرف معیشت و گذران مأمورین مزبور نماید تا بدان واسطه بتواند از غضب و سخط مأمورین ایران آسوده و ایمن بماند...

* * *

این مختصری که نوشتم ؛ نمونه‌ای بود از جمیع کارهای داخله و خارجه دولت ایران هر گاه اندک تعقل کنید، خواهید دانست که سبب همه این خرابیها «ظلم» است و چیز دیگر نیست و چاره آن منحصر به علم است و تهیه اسباب آن بسته به همت و غیرت خیر خواهان وطن است که بطور جدی و بدون فوت وقت، اقدام به افتتاح مدارس کنند و ملت را از ورطه فنا به ساحل نجات برسانند و گر نه چندی نخواهد گذشت که نامی از دولت و نشانی از ملت ایران باقی نخواهد ماند !

خدا حافظ : ۲۵ دسامبر ۱۸۸۱ م

جمال الدین الحسینی

شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

عجله مکن !

پیغمبر اکرم فرمود :

من تأنی اصاب ، او کاد ، ومن عجل اخطاء او کاد !

: کسی که با تأمل و دقت کار کند ، درست کار می‌کند یا نزدیک به درست

و کسی که شتاب و عجله کند یا اشتباه خواهد کرد یا نزدیک به اشتباه !